

10-9-1969

Kārawān, 1348-07-17, 1969-10-09

Abdul Haq Waleh

Ṣābahuddiñ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>

 Part of the [Asian History Commons](#)

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣābahuddiñ, "Kārawān, 1348-07-17, 1969-10-09" (1969). *Kārawān*. 90.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/90>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.





دائتو بر ۹-۱۹۶۹

(هدایت داده شد تا اصولنامه و ظایف داخلی و لسی جر گه بت نماید .

ضی زاده تنها يك ما ده را ه بود که یکتعداد و کلا صد که به زبان پښتو بخوان .

امش بر هم خورد تا و کیل ی در پهلوی قا ضی زاده مت و شروع کرد به خواندن ت پښتوی اصول نامه .

جز فصل اول که به تعیین رئیس مربوط بود ، فصول دیگر قرائت

علل ناکامی امتحان شمول پوهنتون

دیروز شام چینیکه بطرف منزل لمی آمدم جوا نیکه از شپي لسه رخصت شده بود به سر ویس پهلویم قرار داشت از او پرسیدم که بکدام صنف درس میخواند و در نتیجه دریا فتم که بصنف دوازده است. بعد از آنکه تحصیل او راه زمان پیشبرد و طیفه و کارش تبریک گفتم تشو یقش نمودم تاسو یه تعلیمات عالی تحصیل کند وی ازین تشو یقم در عالم ناشناسی خوش شده گفت که اکنون شامل شدن به پوهنتون کار آسان نیست امتحان شمول هم مشکل است و هم بسیار کم است. من در اثر تبصره وی گفتم که پوهنتون بیک سو یه و انتخاب استعداد های قابل پرورش نیاز مند است و باید بودجه و پول مردم ما طوری مصرف شود تا در عوض آن بهترین استعداد ها تر یه شوند رفیق نا شناس بعد از آنکه تامل پر سید که ایشان علل ناکامی امتحان کا نکور را میفهمید که چیست ؟

چون سر ویس خلوت بود و سواری هم ندا شت بجواب گفتم که هر قدر معارف تعمیم یا بد بهمان اندازه مردم بیشتر با سواد میشوند و استعداد ذاتی و فطری آنها بعدی که با خود بود یه آورده اند انکشاف مییابد اما در تعداد معین مردم نخبه افزایش بعمل نمی آید. از لحاظ و سعت، معارف پیش میرود اما از رهگذر سو یه و استعداد بلند نمی رود چه تا امروز در امریکا و اتحاد جما هیر شو زوی کمتر از پنجاه فیصد فرصت تحصیلات عالی رایا فته اند یا اصلا شایسته آن نبوده اند یعنی استعداد های قابل پرورش و تحصیل تعلیمات عالی در مرقی تر ین ممالک جهان در حدود پنجاه فیصد بوده و فارغ التحصیلان صنوف دوازده آن به اندر می توانند شامل پوهنتون گردند در حالیکه در پوهنتون کابل دو ثلث فارغ التحصیلان صنوف دوازده فرصت تحصیلات عالی را مییابند.

امتحان شمول ناکامی نادر بلکه صرف درجه کسانی را که بلندترین نمره را حاصل میدارند بر حسب کنجایش پوهنتون بصورت عمو م در هر پوهنخی بصورت خاص تعیین میدارد از ینکه امتحان مشکل بوده و وقت آن کم است دو علت دارد یکی آنکه این امتحان از مایش قدرت شاکر است در یافت شود که از صنوف ده و یازده و دوازده چقدر آموخته است و هم

سرعت انتقال ذهن بدریا فت مسائل امتحان میشود. از اینجا است که اکثر پوهنخی ها بر علا و مضامین اختصاصی خود تحلیل اشکال و سلسله اعداد را که دوجزه مهم این آزمایش میباشد شرط شمول پوهنخی قرار میدهند.

وی به این مذاکراتم بگو شد دل گوش فرا داده بود که مو تر به ایستگاه مطلوب توقف کرده تصادف چنان یاری کرد که هر دو به آن جا فرود آمده بیک سمت برافراشتیم باز هم پرسید که چرا سو یه فارغان صنوف ۱۲ پیشینه از فا کولته با سان امروز بلند تر است و چند تن از رجال برجسته کشور را هم مثال داد.

در جواب گفتم که هر گاه رفیق همراه من بهمان تحلیل شامل نشدن فارغان صنوف ۱۲ پوهنخی ها مرا جعه نمایند جواب پرسش شان را می یابند و علاوه نمودم که همچنانکه چهره های ما از هم مختلف است استعداد های ما نیز از همدیگر فرق دارد. در اوایل آغاز مکاتب شاگردان نیکه شامل مکتب می شدند کسانی میبودند که قشر ذهنی و دماغی مملکت و مردم ما را میساختند یعنی آنها نیکه دارای بلند ترین استعداد بود بخا نوا ده های علمی و یا طبقات بالای مردم متعلق بودند بکتابت شده مل شده و محیط پرورش میساختند را برای انکشاف استعداد خویش مییافتند که

(بقیه در صفحه ۳)

مرحوم دکتر صورنگر

پیری

جو بینم که مو یم سپیدی گرفت فرو مرد، یا نا پدیدي گرفت وزان در من من پیلیدی گرفت که در سایه اش آرمیدی گرفت سحرگاه با خنده چیدی گرفت با فسانه ها می شنیدی گرفت غبار غم و نا امیدي گرفت

بگوش من آید ز پیری نهیب هزار اختر آرز و پیش من شدم دوش بر دوش بد گویان سموم بلا بر تن و درخت بران گل که از گلشن خاطر م بمن آتش عشق کاسیب او دل تا بناك از غم روزگار



مهمان: به به این پارچه انتیک و قیمت بها را از کجا بدست آورده اید ؟
هیز بان: در یکجا میگویم از همدور دیگر جا میگویم از تکسلا.
کاروان

لیکونی ستیندی

د آزادی جنگ

او دچا خیره چه نور پری دنیستی را بشکته کرد، او ستر کی بی و رله او فقر لاس نه رسیده، فطرت ددی جزا نه ورو سته، دمشرق به حال ورحمیداد ددوی ژوند لاری بی ورت خلاص گری دا هم د ستر کو ننداره ده چه نن د مشرق و کپی خو مره کړندی کا مونه اخلی اود زندکی به میدان کینی خومره مخ کینی روان دی، هیخ دلیل نشته چه نور به استعمار د مشرق دخلکو مخی تها ن پوله کاندی، خکه چه دغه کو بزار به خپله دلو بدو دی، اوددغه مپ همو کی زاده شوی او له کاره لوبدلی ینکاری نور دخوانانو ملتو نو بنجی هیخوک نشی تاووی استعمار چه هر خه و کاندی دزو خو بو نو دوره تری تللی ده، هغه سر و پینی چه دوی په ولسو نو کولی هغه موده لاره تیره شوه، هغه دسرو ز و مرغی واولوتلی کومی چه پیری پیری په پنجره کینی بندی سا تل کیدی په آسیا او افریقا کینی دملی جنبشونو مخه او س هیخ قوت او قدرت نشی بدو لی ددی سیلا بونو چپی به تر هغه وخته پوری سم او غر دخانه سره خو خوی خوجه قومونو او ملتونو ته خیل حق ورسیدی او هر خوک به خپله خاوره کینی دخپلی خو بی حکو متو نه جوړ کاندی منوجه زور گیر به آسانه دحق منلو ته تیار ندی او سره دجهانی مسلما تو بیاهم به پتو ستر گو د زور فلسفه پر یوت او هر خوک وینی چه په ورخ به ورخ او گری به گری مخ په ینکته روان دی د مشرق عمخه سوچ کولی شوی او یا یی دو لسو نو خو دغه حال وچاد ذلت دهغو خلکو دحشر نه خه عبرت او خواری به آخرین پاکی و لاه و اخستنی کوم چه زمانی د آسمان نه

ددی جنگ د لیکرو د زلزله پیری دنگی دنگی مانی و نریه لی او ددی اور لمبو به کرو پو نوانسانان دغلامی دجیلو نو نه را وویستل ددنیا دوه لوی عمومی جنگ هم دمرک او ژوند یا درها اود تیاری هغه فلمو نه دی چه د آزادی هیرو به کینی خپل پارونه و لوبول اود استعمار اهر یما نو له یی مانی ور کړه د آزادی د جنگ دسپا هیما نو دیر غل نه ددنیا هیخ خای نشی پا تی کیدی او ندی پاتی. خکه چرته د ملی ژوند کو نکو سی او ریدل کیزی او خلک دزد کس محتاج و ی هلته به اړ ورو ددوی ژوند دتالاش د پاره د آزادی او خپلواکی به نوم جگره مخ ته راخی او تر هغه به ددی جگری اور بل وی خوجه دهغه خای دخلکو دملی حیات تنظیم و کا ندی په آسیا او افریقا کینی چه خای به خای کونو نه کلو نه دمرک ژوبلی نشی روانی و ی هر چا ته خر کنده شوه چه ددغی لوی خبری سرا خر په خه تمام شو او هغه اور نه په کوم پکی پیر ته غنی کړی شول، داد فطرت قانون دی هر شی چه کمال ته ورسیدی هغه بیا به زوال بدلیری، به شرق کینی د استعمار قوت او سلطه هغه حد ته رسیدلی وه چه نور بی دقا دپاره کنجا یش نه لیدل کیده دغه سبب و چه داقوت له خپله غرو زه پر یوت او هر خوک وینی چه په ورخ به ورخ او گری به گری مخ په ینکته روان دی د مشرق عمخه سوچ کولی شوی او یا یی دو لسو نو خو دغه حال وچاد ذلت دهغو خلکو دحشر نه خه عبرت او خواری به آخرین پاکی و لاه و اخستنی کوم چه زمانی د آسمان نه

د امتیاز خاوند: صباح الدین کشکی
مسو ول مدیر: عبد الحق واکه
بی د تعطیل له ورخو هره ورخ خبر پری
کالنی شتر اک: په کابل کینی ۳۰۰ - افغانی
په ولایا تو کی ۳۰۰ - افغانی
په خارج کینی ۳۰ دالر
دیوی گنی بیه ۲ - افغانی
پته نوی بنار، اشرف هوتل ته مخامخ
تلفون: مدیر مسوول ۲۵۰۷۴
نامه نگاران واداری ۲۳۳۷۸



توقعات ما از ولسی جرگه

در شماره دیروز خبری د شتم که او لین جلسه مقد مانی ولسی جرگه برای انتخاب رئیس وقت و تثبیت و یقه ها از سبب تکمیل نشدن نصاب دیر نگردید.

ما این را شگون بد نمیگیریم و امید داریم دوره سیزدهم ولسی جرگه از دوره دوازده امتحان بهتر بدهد.

در کشور ما از قرنهای گذشته تمام ملحو ظات را فدای ننگ و ناموس میکنند.

ناگفته بماند آبر و و حیثیت و ناموس به مفهوم شرافت خانوادگی بکار برده می شود.

بعضی از وکلا برای این کاندید شدند که ننگ خود را بجای کردن می خواستند و خدمت به مملکت نزد آنها در درجه دوم قرار داشت.

و بجای کردن ننگ کار خیلی پر مصرفی است که متاسفانه روز بروز بران افزوده شده میرود.

حالاکه ننگ بسیاری بجای شده باید بفکر ناموس باشیم - ناموس خانواده ها و بالاخره ناموس مملکت.

یگانه دشمن ناموس بشر و بلکه دشمن تمام صفات عالییه او فقر است که در بسیاری موارد جمل نیز ازان نشأت میکند.

هر انسان به غذا و لباس احتیاج دارد و اگر کاری برای او میسر نباشد و درآمد ثابت نداشته باشد، دچار فقر میگردد و چون شکم غذا و تن لباس می خواهد با باید دزدی کند یا اگر مورد پسند بود، ناموس خود را به این و آن عرضه بنماید.

بزرگترین کار شوری ملو جوده این است که زمینه را برای مجادله علیه فقر عمومی مملکت فراهم سازد.

افغانستان در طول تاریخ یک کشور غنی نبوده و با همین ننگ و ناموس خود قناعت کرده است اما در سابق نه نفوس ما به ملیو نه می رسید و نه چشم مردم اینقدر باز شده بود.

طبق یک تخمین نگاشته این سطور ما هر سال پنجاه ملیون ساعت کار را ضایع میکنیم زیرا ۸۵ فیصد نفوس ما زراعتی است و ایشان سال چهار ماه بیکار اند.

آیا با تشکیل یک اردوی بزرگ کار چه کارها را که نمیتوان انجام داد ؟

البته این اردو ما نندسایر اردوها تشکیلات و مصرف ایجاد میکند و باز ما را به مساله فقر عمو می میکشاند.

اما در میان همین مردم فقیر ما هستند اشخاصی که حساب پول خود را نمی یابند و این پول هم در کارهای تولیدی و مضر بکار نمی افتد. در همین انتخابات اشخاصی بود ندکه ملیو نه افغانی را برای بجای کردن ننگ خود مصرف کردند و اگر احصائییه واقعی تمام پولها نیکه درین راه در سر تاسر افغانستان مصرف شده، بدست بیاید، یک مبلغ بسیار درشت را تشکیل میدهد که با آن میتوانستیم یک کارخانه متوسط ساخت و لا اقل سه صد نفر را صاحب یکلب نان بگردانیم.

او لین کاری که شوری میکند مجادله علیه فقر است. چگونگی میتوانیم اراضی زرخیز صفعات شمال و غیره را زیر آب کنیم؟ چطور از معادن خود استفاده نماییم؟ به چه ترتیب تجارت خارجی خود را رونق بدیم؟ چگونگی جلو قاچاق، اختلاس و استفاده های سوء را بگیریم؟

اینها سوالاتی است که ولسی جرگه باید در ساختن مجالس بصورت منظم و بحث بشکل حسابی در حل آنها میتواند کمک کند.

(بقیه در صفحه ۴)

سینما و ستارگان

جهنگ گیا آسمان

دراپور عاشق همیشه ای را بهمارت
مجموعه میسازد و سایرین بانو که
نه تنها از نظر هنر، بلکه از نگاه
زیبایی نیز ممتاز است، هرگز در
درجه یا کمتر از او قرار نگرفته است.

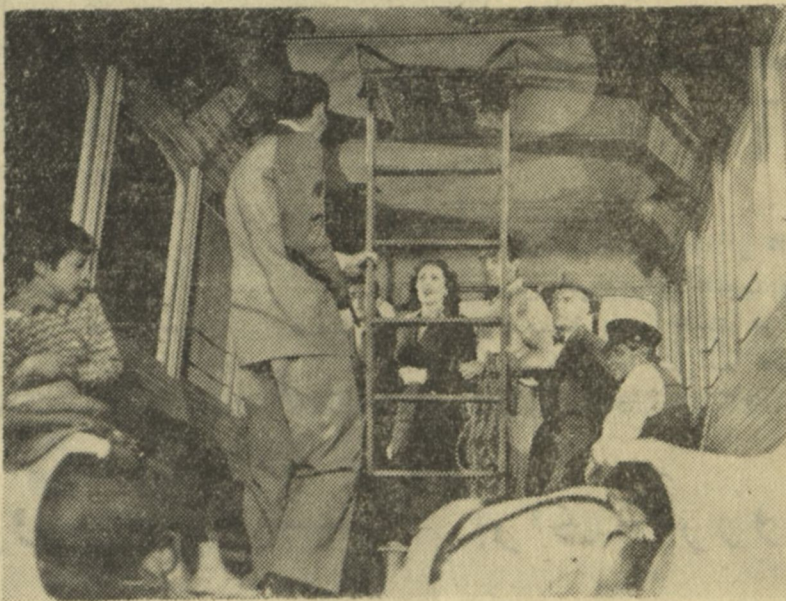
باشتراک : در چندر کمار، سایر
بانو، پریم چوپرا
تهیه: آر. دی، بنسال
دیرکتر: لیک تا ندون
محل نمایش: سینما بهزاد

هنر مندان و تهیه کنندگان فیلم
های هنری شاید، نظریه خصوصیات
ذهنی و عاطفی مردم کشورشان،
در باره طوالت (از نظر ما) ریلز و م
فلم های ساخته و پرده خفته شان
دلایلی داشته باشند، ولی هنگامیکه
این فلم ها در کشور ما بهر ض
نمایش قرار میگیرد، بهتر است بیکی
از این دو اصل توجه شود: پاسینما
های نمایش دهنده فلم های هنری
سعی کنند که یک فلم سه ساعت را
در دو قسمت بروزهای مختلف
نمایش دهند و با هیأت محترم
سینما، بجای حذف قسمتهای مهم
اینگونه فلمها، صحنه های اضافی
و دیالوگهای بی ضرورت را که با صل
موضوع نظمه ای نمیزند، قطع
نمایند. قید «حذف قسمتهای مهم» را
ازین جهت آورده ایم که در فلم
«جهنگ گیا آسمان» یک چرخ عمده
آن مربوط به عتاید فرقه تئاتر
هند (در باره تئاتر سنخ روح) میباش
بکلی از بین رفته، تسمبل فلسفی و
افسانوی فلم را بر هم زده است.

دو همین چانانس

باشتراک: رابرت میچم و جک بالانس

محل نمایش: سینما آریانا



یک صحنه از فلم دو همین چانانس

ستمیج برادرزگاری غایب صحنه هنر
نمایشهای مرد جوانی بود که قیافه
زیبایی نداشت، ولی باهای درازش
توجه همه را جلب میکرد.
این هنرمند معروف امریکا که در
رولهای منفی مهارت بسزایی دارد،
چهل و هشت بهار زندگی را سپری
کرده، و کسر خوبی هم هست.
او را در فلم «باغ شکنجه» نیز
دیدیم که با وصف زول کو چک،
گرمی فراوانی بفلم بخشیده بود و در
فلم دومین شانس که از ساخته های
قبلی او ست، موفقتر از دیگران،
حتی از لحاظی، موفقتر از رابرت
میچم (قهرمان اول این فلم) میباشد
که شخصیت هنری ممتاز و ی
زبانزد هنر دوستان است!

پایرهنه

باشتراک : بیک ایما نوردی، سمیلا
منوچهر و ثوق
دیرکتر: روشنیان

تهیه کننده، دایرکتر و ممثل این
فلم «روشنیان» است که نزد
بینندگان ما شهرت زیادی ندارد
و شاید این ساخته وی نزد هنرمندان
ایرانی هم از نظر هنر زیاد پرورش
نیابد.
بیک ایما نوردی را در فلم «علی بابا»
دیدیم، سمیلا و منوچهر و ثوق نیز
از هنر پیشه های خوب سینمای ایران
هستند، ولی مجموعاً نتوانسته اند
این فلم را در ردیف آثار گرانبهای
دیگری که قبلاً توسط هنرمندان
ایرانی تهیه شده است، قرار بدهند.

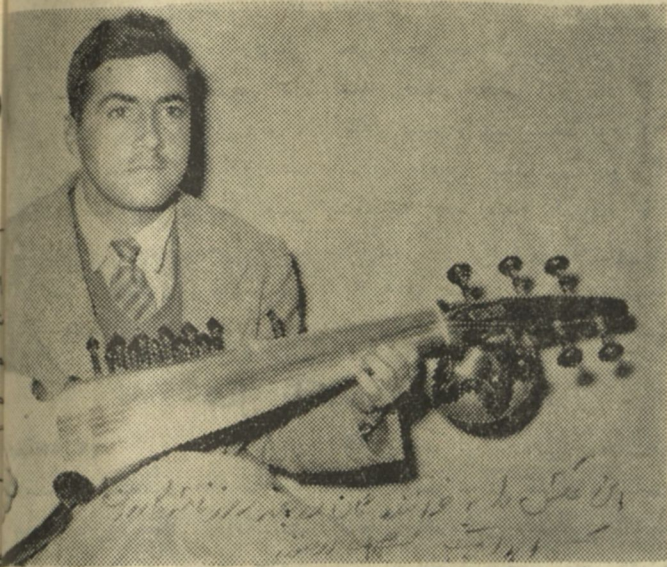
اساساً «پایرهنه» را میتوان
تشریح خصوصیات اخلاقی دو تن
از جوانان باوجدان دانست که عین
خصوصیات را مردم دیگری که در
محیط ما بنام «بای لچها» و «کاکه ها»
و یا «عباران» یاد میشوند، داشته اند.
اینان زندگی خود را وقف رفاه دیگران
کرده اند و خود آواره گشته اند.



یک صحنه از فلم پایرهنه ها که در سینما های کشور نمایش داده شده بود

هنر و زندگی

اکرم روح نواز بحیات هنری برگشت



محمد اکرم روح نواز

آهنگی میسازد نه تنها باید متوجه خصوصیات هم در دشت
اعترا ذات حنجره خواننده باشد انحطاط و تحول موسیقی
بلکه شعری تر کیب لفظ کنونی که گوش همه را
و تال نیز از شرایط اساسی پنداشته عقل و منطق را به قضاوت
مجبور میسازد خود داری

وی گفت اگر اختیار بدست او
باشد آهنگهای بهشتی را برای میرمن
رخشانه و میرمن پرین میسازد
زیر این دو نفر در میان خانم های
پشتو جوان خیلی مستعد میباشند
با قهر کل آهنگساز دیگری کمک
معیار لیاقت و محبوبیت

روح نواز از تبصره در مورد
چگونگی وضع موسیقی را دیو
ثبت آواز هنرمندان نظر به ملاحظات
خاصی اپاور زبده حسی بطور ناگواری در بر دارد.

(بقیه صفحه ۲)

مکاتیب و

تیمای کوی قند هار و سپس جلال آباد و در آخر تیماکوی کو
کرده بودند.
واقعاً همه ما ازین نتیجه گیری خوش شدیم و بخود
یکی دو سال بعد از سگرت و طن خودمصرف خواهیم
گفته بودند در عصر اما نی چند به ما شین سگرت
شده بود و دکتر عبدالرؤف حید ربامید چالان ساختن و
آن سعی و کوشش بخرچ داد مگر بد بختانه آنهم بجائی
اکنون که فکر میکنم و افعاجی تعجب است قاپر یک
که پیدا و ز آنها مورد احتیاج عامه باشد، با اصطلاح عو
نمایا قند و زود نو بن وال میکنند.
و قتی قاپر یک کو کرد ساری ما واقع دار الامان که
کو کرد آن به اساسی در نمیگیرد برای سوهین باز دست
گشت، من در یکی از روز نامه ها کاریکا توری ساختم که
با دست بطرف عمارت کو کرد سازی که دود ها یش بهوا بد
اشاره نمود فریاد میزند چه کس میگوید کو کرد ما در
اینک طو ریکه می بینیم و خود آنها در جراید می نو
نیست که قاپر یکه های نساجی مانیز به سر نوشت ست
دچار کردند، بهتر است بگوئیم قاپر یکه های تو لیه
نمایا قند و بسکنداریم برای ما کارکنند.

با احترام عبدالغفور

(بقیه صفحه اول)

کار پروژۀ نهر کوهستان...

مانده است. مجموع مصارف قسمت دوم پروژه در حدود
افغانی تخمین گردیده.
دکتر بقائی در باره بکار بردن ماشینهای زراعتی در
گفت:

«امکان بکار بردن هر نوع ماشین زراعتی در منطقه مذکور
می باشد بر ای همین منظور در دو طرف کانال های
های فرعی سرک گذاشته شده تا عراجهات و ماشینهای زراعتی
ومرور کنند.»